

اتلاف حکمی و موضوعی در حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

دکتر بهنام اسدی

استاد دانشگاه

چکیده

یکی از منابع مسئولیت مدنی قراردادی و قهری در فقه قاعده اتلاف می باشد که منظور از آن طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است» می باشد، یعنی کسی که موجب اتلاف مال دیگری شود محکوم به تأدیه خسارت است. هدف از این پژوهش بررسی اتلاف حکمی و موضوعی در حقوق ایران است که منظور از اتلاف همین بس که رابطه‌علیتی بین فعل شخص و تلف وجود داشته باشد، هر چند قصد نتیجه ای وجود نداشته باشد. اما چنانچه فعل منتسب به شخص نباشد، او مسئول نیست مثلاً اگر با وقوع زلزله، شخص بر روی مالی پرت شود و آن مال تلف شود، شخص مسئول نیست. بنابراین در حقوق اسلامی بر اساس قاعده اتلاف، حکم به جبران خسارت (مسئولیت مدنی) متلف می شود.

۵۵۵



واژگان کلیدی: قاعده اتلاف، ضامن، تأدیه خسارت، مسئولیت مدنی قراردادی، رابطه

علیت

بخش اول: کلیات

در قرآن مواردی از اتلاف بیان شده است از جمله: طبق آیه « من اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم » ، هر کس بر شما تجاوزی نماید به مثل آنچه که انجام داده انجام دهید. همچنین طبق حدیث « من اتلف مال الغیر فهو له ضامن » ، هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است.^۱ اتلاف در لغت مصدر باب افعال از ریشه تلف به معنای از بین بردن و نابود کردن می باشد و از بین بردن مال گاهی متعلق به ذات مال است و گاهی متعلق به مالیت شیء با برجا ماندن ذات آن.^۲ و در اصطلاح به معنای تجاوز عمدی به مال غیر به صورت تخریب، سوزاندن یا تبه کردن می باشد.^۳ قانون مدنی ایران قاعده اتلاف را از فقه اسلامی اتخاذ نموده است و فقها آنرا اسباب ضمان شناخته اند. ماده ۳۲۸ قانون مدنی از دو ماده ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسهنظیم شده است.^۴

حکم اتلاف مال دیگری از جهت تکلیفی ، حرمت و از جهت وضعی ضمان است. در مورد حرمت مثلا اتلاف صید و گیاه حرم برای محرم ، گرچه که کفاره در آن دو ثابت است. در مورد ضمان مثلا خوردن مال دیگری در حال اضطرار (تلف مال دیگری در حال اضطرار) است که خورنده ، ضامن قیمت آن است ، بدون این که مرتکب حرام شده باشد. اما در مواردی نیز نه ضمان دارد و نه حرمت مانند اتلاف هیأت و شکل آلات لهو و قماری. در مورد قاعده اتلاف می توان گفت که قواعدی است که در معاملات عام کاربرد دارد.^۱ قاعده فقهی اتلاف « من اتلف مال الغیر فهو له ضامن » است ، یعنی هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است. اگر مال به مباشرت تلف شود اتلاف است و اگر با سببی تحقق یابد تسبیب است. مثلا اگر فعل مرتکب ، علت اتلاف را ایجاد می کند و زمانی زمینه ای را فراهم می سازد که احتمال دارد منجر به تلف مال گردد ؛ اولی را اتلاف بالمباشره گویند و دومی را اتلاف بالتسبیب (در صورت تحقق تلف). در مباشرت لازم است فعلی صورت پذیرد ولی در تسبیب فعل و ترک فعل هر دو ضمان آور است. گاهی مباشر واحد است و گاهی متعدد ، گاهی سبب واحد است و گاهی متعدد. در اتلاف (اعم از مباشرت و تسبیب) ، نه عمد شرط است و نه علم (نه علم به موضوع و نه علم به حکم).^۲ بر اساس قاعده اتلاف حکم به جبران خسارت می شود و شخص



نه قصد فعل داشته و نه عمد در انجام آن را. یعنی اگر شخصی در خواب به اموال دیگران خسارت وارد کند، ضامن اتلاف خواهد بود.^۱

تلف در اصطلاحی فقهی و حقوقی به معنای از بین رفتن عین مال یا منافع عقلایی و قانونی مال، خود به خود یا به موجب حوادث.^۱ طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.» بنابراین اتلاف یکی از مصادیق مسئولیت عینی یا نظریه خطر است. اما در ماده ۳۰۷ قانون مدنی نیز مواردی از موجبات ضمان قهری ذکر شده است که اتلاف یکی از موارد آن می باشد که اساس قاعده اتلاف مبتنی بر حدیث «من اتلف مال غیر فهو له ضامن» است.^۳ اتلاف یعنی اینکه کسی مباشرتاً خسارتی را به دیگری وارد آورد و فرق و تمایز آن با تسبیب این است که، تقصیری نمی خواهد و با فورس ماژور هم رفع می شود و قاعده اتلاف نام دارد.^۴ معنای قاعده اتلاف این است که هر کس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند و یا مورد بهره برداری قرار دهد، ضامن صاحب مال است.^۵ در فقه و حقوق اسلامی، اکثر حقوقدانان اهلیت اتلاف یعنی مسئولیت ناشی از آن را برای تمامی انسانها اعم از صغیر و کبیر، عاقل و دیوانه، رشید و غیر رشید شناخته اند، یعنی در مورد اتلاف مال دیگری وجود عقل شرط نیست و به محض انجام فعل اثر آن که مسئولیت است، ظاهر می گردد.^۱ قاعده خطر در حقوق ایران می تواند با قاعده اتلاف همانند شود زیرا در هر دو کسی که ضرری به دیگری بزند ملزم به جبران آن است و نیازی به اثبات تقصیر یا عدم اثبات آن نداریم. تنها کاری که فاعل فعل زیانبار برای رهایی از مسئولیت می تواند انجام دهد این است که رابطه علیت بین فعل و زیان را برهم بزند. لذا احکام تلف در عبادات، تلف مالی است که به آن زکات تعلق گرفته است و زکات متعلق به عین مال است و در صورت تلف چنین مالی، زکات دهنده اگر توانایی پرداخت آن را نداشته و تلف بدون تفریط او اتفاق افتاده باشد، ضامن نیست اما در صورت توانایی پرداخت، خواه تفریط کرده باشد یا نه، ضامن است.^۳ ماده ۳۲۹ قانون مدنی راجع به اتلاف بنا و ماده ۳۳۰ این قانون راجع است به کشتن حیوان غیر. طبق ماده ۳۲۹ قانون مدنی: «



اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید.^۱ و در ماده ۳۳۰ قانون مدنی آمده است: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد، باید تمام قیمت حیوان را بدهد و لیکن اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند، ضامن نیست.»^۲ در ماده ۳۲۹ قانون مدنی ۲ زمان برای تعیین ملاک مد نظر است:

الف) زمان ناممکن شدن بنای خانه یا بنا به صورت اول.

ب) زمان پرداخت خسارت.^۱

در ماده ۳۲۹ قانون مدنی ایران هدف اصلی از جبران خسارت بازگرداندن زیان دیده به حالت قبل از تلف و زیان می باشد.^۲

اما در ماده ۳۳۰ قانون مدنی گاهی حیوان کشته شده دارای ارزش و قیمت می باشد.

در اینجا نظر قانونگذار به تبعیت از فقه اسلامی حیوانات اهلی بوده است نه غیر آن و لذا آن ماده نمی تواند حیوانات غیر اهلی را که سیرک داران اداره می نمایند شامل گردد. این مسئله باید مورد نظر مقنین و موجدین رویه قضائی قرار گیرد که:

اولا- سکوت قانون را در مورد حیوانات گم شده و فرار کرده تکمیل نمایند.

ثانیا - دیره شمول را وسیع تر نموده تا حیوانات غیر اهلی را نیز شامل گردد.

ثالثا- لفظ متصرف را توجیه نمایند.^۳

در باب معاملات، احکام وضعی مترتب بر تلف در عقود معاوضی و غیرمعاوضی متفاوت است. بنابراین یکی از قواعد مهم فقهی و حقوقی در عقود معاوضی قاعده «تلف قبل از قبض» یا «تلف مبیع قبل از قبض» است که به موجب آن در صورت تلف مبیع قبل از تحویل دادن به مشتری، آن عقد از زمان تلف منفسخ شده و ثمن به خریدار باز گردانده می شود.^۴ قاعده تلف مبیع قبل از قبض به ۳ صورت ممکن است: ۱- تلف تمام مبیع قبل از قبض، ۲- تلف قسمتی از مبیع قبل از قبض و ۳- تلف منافع مبیع.

۱- تلف تمام مبیع قبل از قبض: در این مورد فقهای امامی اینگونه بیان می کنند که هرگاه مبیع عین معین بوده و سبب تلف آن آفت آسمانی یا فعل خود مبیع (در مواردی که مبیع حیوان است) باشد، بیع منفسخ می شود و ضمان مبیع بر عهده فروشنده است و در صورتی که فروشنده قیمت را از مشتری گرفته باشد ، باید آن را بر گرداند ولی اگر مشتری از گرفتن کالا امتناع کرده باشد یا به ماندن آن نزد فروشنده رضایت داده باشد ، خود او ضامن است.^۱

طبق ماده ۳۸۷ قانون مدنی: « اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود و ثمن باید به مشتری مسترد گردد مگر اینکه بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مال مشتری خواهد بود.»^۲

۲- تلف قسمتی از مبیع قبل از قبض: در این مورد فقهای امامی می گویند اگر در مقابل جزء تلف شده بخشی از ثمن قرار گیرد ، به گونه ای که به تنهایی قابل معامله باشد (مانند اینکه یکی از دو گوسفند فروخته شده تلف شود) ، عقد در خصوص بخش تلف شده منفسخ می شود و قیمت آن به مشتری باز می گردد. خریدار در مورد بخش باقی مانده کالا می تواند با استفاده از خیار تبعض صَفَقَه تمام عقد را فسخ کند یا کالا را با همان حالت بپذیرد.^۳

۳- تلف منافع مبیع: در این مورد چون قاعده ضمان تلف قبل از قبض تنها شامل اصل کالا است و در مورد منافع آن جریان پیدا نمی کند لذا منافع کالا تا زمانی که نزد بایع است و تحویل ندادن آن به مشتری وی را در حکم غاصب قرار نداده ، در حکم امانت است و اگر بدون تعدی یا تفریط او تلف شود ، ضامن نیست. قاعده تلف در زمان خیار است یکی دیگر از موارد مربوط به عقود معاوضی است. این قاعده تنها در مورد خیار حیوان و خیار شرط ، آن هم در مواردی که خیار از آن مشتری باشد ، جاری است.^۱ طبق ماده ۴۵۳ قانون مدنی: « در خیار مجلس و حیوان و شرط اگر مبیع بعد از تسلیم و در زمان خیار بایع یا متعاملین ، تلف یا ناقص شود بر عهده مشتری است و اگر خیار ، مختص مشتری باشد تلف یا نقص به عهده بایع است.» خیار مختص به مشتری یعنی خیار مجلس و خیار حیوان مختص به خریدار است و خیار شرط اگر حق فسخ ، فقط برای خریدار ، شرط شده باشد است. مثلا اگر کسی گوسفندی را به دیگری بفروشد و آن را به خریدار تسلیم کند و گوسفند در مدت ۳ روز (که مدت خیار





است) نزد مشتری تلف شد، عقد بیع منحل می‌شود و تلف شدن گوسفند به حساب بایع خواهد بود و این بایع است که ثمنی که از خریدار گرفته را به او پس بدهد. اما از موارد مربوط به تلف مال در عقود غیر معاوضی می‌توان به تلف مهریه اشاره نمود. و حکم وضعی آن در بسیاری موارد ناشی از اتلاف و تسبیب است نه تلف. در این مورد اگر مهریه، عین معین در برابر کلی بوده و قبل از رسیدن آن به دست زوجه تلف شود، حکم به انفساخ عقد نکاح داده نمی‌شود، بلکه زوج ضامن آن است، زیرا اساس نکاح بر دوام و استقرار است و نمی‌توان آن را با عقود معاوضی مانند بیع قیاس کرد. بنابراین در مورد آن قاعده تلف قبل از قبض اجرا نمی‌شود. اتلاف یا حقیقی است و یا معنوی. اتلاف حقیقی نیز دو نوع است. زیرا یا اتلاف عین است و یا اتلاف منفعت و اتلاف معنوی مثل: ندادن مال عاریه به مالک.

اما اتلاف ۲ قسم دیگر نیز دارد.

۱- اتلاف مشروع: اتلاف مشروع که ضامن هم ندارد. مثل: موارد اجاره‌ای که انتفاع مستلزم اتلاف عین است، مثل اجاره شمع برای روشنایی یا جواز خوردن مال دیگران در صورت اضطرار.

۲- اتلاف غیر مشروع: محل آن یا انسان است (بحث جنایات) و یا حیوان و یانبات و یا جماد. دلیل آن آیه فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ.^۲

بنابراین اتلاف از نظر عرف: ۱- اتلاف گاهی عین مال را از بین می‌برد مثل شکستن ظرف دیگری. ۲- گاهی تلف کننده مال را تلف نمی‌کند ولی مانع تصرف عقلی یا شرعی صاحب مال می‌شود مثل شخصی که مال غصبی را به شخص دیگری می‌دهد تا امکان گرفتن مال به هیچ نحو وجود نداشته باشد. در این موارد تلف کننده ضامن است.^۳

بخش دوم: بررسی وجه افتراق اتلاف و تسبیب

در فقه امامیه قاعده اتلاف و تسبیب را دو قاعده جداگانه می‌دانند و قانون مدنی هم به تبعیت از فقه این دو را تحت دو عنوان مجزا بحث کرده است.

۱- در اتلاف ورود خسارت مستقیم است. ولی در تسبیب غیر مستقیم و با واسطه است البته مستقیم بودن یا نبودن ورود ضرر، عرفی است.

۲- چون اتلاف، مباشرتی است لذا علی القاعده « با فعل مثبت » قابل تصور است اما در تسبیب چون با واسطه است لذا ممکن اقدام سیفعل باشد یا تر کفعل.
ثلاً مأمور تعمیرات، خانها را تعمیر نکند و از این رهگذر خسار تیوارد شود که در این صورت مأمور تعمیر ضامن است.

۳- در اتلاف تقصیر لازم نیست ولی در تسبیب لازم است. لذا در تسبیب اگر تقصیر نداشته باشیم، مسئولیت منتفی است. طبق م ۳۲۸ قانون مدنی در اتلاف فقط رابطه علیت شرط است و تقصیر شرط نیست.

۴- در اتلاف چون حکم به ضمان از احکام وضعی است لذا قصد به اتلاف یا عدم قصد علم یا عدم علم، بلوغ یا عدم آن عقلاً یا جنوناً اثری ندارد و در مورد صغیر و مجنون به دلیل اینکه نوعاً قصد به عمل و همچنین انتساب عرفی و نوعی وجود دارد ضمان تحقق پیدا می کند.

۵- اگر مبنای مسئولیت مضطر را در صورت ورود خسارت به مال دیگری طبق قاعده اتلاف بررسی کنیم در این صورت مضطر به خاطر اتلاف مال غیر ضامن خواهد بود زیرا هر چند حالت اضطرار ارتکاب تقصیر را از سوی متلف منتفی می سازد ولی در اتلاف نیازی به تقصیر نداریم.^۱

بخش سوم: تفاوت قاعده اتلاف با قاعده ید و غصب

اما فرقی بین قاعده اتلاف با قاعده ید و غصب است.

به این صورت که قاعده اتلاف و قاعده ید که هر دو موجب ضمان اند، از جهاتی با همدیگر اشتراک دارند: از جمله هر دو قاعده بر حکم تکلیفی ضمان دلالت دارند هر دو قاعده حکم وضعی ضمان را مشروط به عمد و علم نمی دانند یعنی در هر دو صورت اگر عمد و یا آگاهی نسبت به حکم و یا موضوع ضمان نباشد، باز هم ضمان هست.
با این حال این دو قاعده از جهاتی با یکدیگر تفاوت دارند: مهمترین آن این است که ضمان در قاعده اتلاف دایرمدار نبودن شدن و تلف شدن است، برخلاف قاعده ید که ضمان مشروط به تلف شدن مال نیست، بلکه مبتکی بر تصرف است، هر چند مال به حال خود باقی باشد. لذا نسبت میان قاعده تلف و قاعده اتلاف عموم و خصوص من وجه است زیرا گاهی شخصی





موجب اتلاف و نابودی مال دیگران می‌شود، بی‌آنکه در آن تصرف کند، مانند اینکه شخصی با مسموم کردن فاضلاب موجب هلاکت افرادی گردد و یا با رها کردن دریچه سد، موجب خسارت مالی افراد گردد و گاهی با وجود تصرف در مال دیگران موجب نابودی آن نمی‌شود، مانند اینکه شخصی منزل دیگری را تصرف کند و گاهی با تصرف در مال دیگران موجب نابودی آن بشود. یعنی در صورت اول تنها قاعده اتلاف و در صورت دوم تنها قاعده ید و در صورت سوم، هم قاعده اتلاف و هم قاعده ید صادق است.^۱ اما فرق قاعده اتلاف با غضب در این است که موضوع غضب سلطه بر مال دیگران به قصد عمد و دشمنی است در حالی که در قاعده اتلاف عنصر عمد ملاک نیست و اگر کسی مالی را بدون عمد تلف کند، قاعده اتلاف جاری بوده و او ضامن است. موضوع غضب تنها مال است، ولی در قاعده اتلاف، در اتلاف مال و یا شیء ملاک نابودی و تلف شدن آن شیء است ولی در غضب ملاک صدق عنوان غضب، نابودی آن شیء نیست زیرا چه بسا شخصی از روی عدوان مال دیگران را تصرف کند. ملاک صدق عنوان غضب سلطه و تصرف عدوانی است، برخلاف قاعده اتلاف که ممکن است هیچ‌گونه تصرف و سلطه‌ای در کار نباشد، با این وصف اتلاف صادق باشد.^۱ در قاعده اتلاف بر خلاف قاعده غضب، انتساب و رابطه عرفی بین ضرر و عمل، ضروری است. و چنین شرطی در جریان قاعده غضب لازم نیست بلکه صرف تصرف نامشروع برای ضمان کافی است.^۲

بند اول: قلمرو قاعده اتلاف

۱- ضمان مجنون و صغیر: طبق نظر آیت الله خوئی درباره این سوال که اگر بچه و یا مجنون مالی را تلف کند آیا ضمان بر این‌ها می‌باشد و یا بر ولی آنها؟ ایشان پاسخ دادند: ضمان بر بچه و مجنون است نه بر ولی آنها. لذا مبنای مسؤولیت و ضمان قهری تنها وارد شدن ضرر است چه از روی تقصیر و یا غیر تقصیر. و مجنون چون عقلی ندارد، نسبت تقصیر هم به او نمی‌توان داد، پس ضمان قهری در باره او محقق نمی‌شود چون در قانون مدنی در مورد ضمان، شرایط تکلیف از جمله بلوغ و عقل را شرط نمی‌داند. اما دکتر امامی بر این نظر تکیه دارند که: در اتلاف، کسی که مالی را از روی عمد و یا غیر عمد تلف کند مسؤول است اگرچه فاعل،

تقصیری نکرده باشد و اگرچه رعایت احتیاطات لازمه را کرده.^۱ در مورد ضمان صغیر در ماده ۱۲۱۲ آمده است: «اعمال و اوقال صغیر تا حدی که مر بوط با اموال و حقوقی مالی او باشد بلااثر است.» یعنی گفتار و کردار صغیر ایجاد نسبت با اموال او نمینماید با اینحال چگونه میتوان صغیر را ضامن خسارت دانست. به ناچار باید مسئولیت غیر قرار دادی ولی یا قیم را مطرح نمود و چون اینان عهده دار اموالی صغیر تحت ولایت و قیمومیت خود می باشند باید عهده دار خسارت ناشیه از طرف آنان نیز باشند منتهی این خسارت را از مال صغیر میپردازد نه از مال خود.^۲

۲- ضمان منافع اعیان: ضمان منافع اعیان یعنی محروم ماندن از منافع عین معین. اما ذکر این نکته جالب است که آیت الله ناصر مکارم شیرازی معتقد است: «قاعده اتلاف مختص به اعیان نیست، و شامل منافع حتی در حر کسوب می شود و تفویت آن از اسباب ضمان بین عقلا می باشد.»^۱ در این مورد فقها، ضمان منافع را به ۲ دسته ضمان منافع مستوفات و ضمان منافع غیر مستوفات تقسیم کرده اند.

الف) ضمان منافع مستوفات: در این گونه منافع، مشهور فقها ضمان را پذیرفته اند و تنها برخی از فقها مانند ابن حمزه با آن مخالفت کرده اند. اما منافع مستوفات عبارتند از: منافی که شخص تلف کننده آنها را استفاده کرده و از آنها بهره برده است. مانند ساکن شدن در منزل.

ب) ضمان منافع غیر مستوفات: فقها در ضمان این گونه منافع اختلاف نظر دارند. اما این منافع، منافی است که برای مال تلف شده وجود داشته، لیکن هیچ یک از تلف کننده و مالک از آن استفاده نبرده اند. مانند ماشین مسافربری که صاحبش را از استفاده آن جلوگیری کنند و کس دیگری نیز از آن استفاده نکند.^۲

مشهور فقهای امامیه بر مبنای قاعده علی الید و گروهی هم با توجه به اطلاق ادله قاعده اتلاف (آیات و روایاتی مثل حدیث لاضرر و سیره عقلا) ضمان منافع غیر مستوفات اگر تصرف عدوانی نباشد (مثل مقبوض به عقد فاسد) را می پذیرند.

۳- ضمان منافع انسان: ضمان منافع انسان یعنی محروم ماندن از منافع شخص معین.^۳

در این مورد فقها بر ضمان کار و اعمال افراد آزاد و غیر آزاد اتفاق نظر دارند. در این مورد تفاوتی میان اعمال انسان با منافع اعیان نیست و به همان ادله ای که منافع اعیان خارجی مورد ضمان است منافع اعمال انسان نیز ضمان دارد. همچنین از نظر سیره عقلا نیز فرقی میان منافع و اعمال انسان با منافع اعیان نیست.^۱

در مورد ضمان منافع انسان، سه حالت قابل فرض است:

- ۱- منافع فردی که اجیر شده ،
- ۲- منافع فردی که اجیر نیست و انسان آزاد اهل کسب و کار است ،
- ۳- منافع فردی که انسان آزاد است و بیکار بوده و اهل کسب و کار نیست.^۲

بخش چهارم: بررسی ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۳۲۸ قانون مدنی

طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی: « هر کس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارתי یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد ». ^۱ حقوقدانان اساس مسئولیت را در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی بر تقصیر استوار کرده اند یعنی مسئولیت مبتنی بر تقصیر. اما اختلاف نظر مشهودی بین حقوقدانان در مورد نسخ ماده ۳۲۸ قانون مدنی توسط ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی وجود دارد که طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ، اتلاف مبتنی بر نظریه تقصیر می باشد چراکه مسئولیت مبتنی بر تقصیر اصل است و طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی ، اتلاف مبتنی بر نظریه خطر است که چون این نظریه در مواردی به صواب نزدیکتر است انتساب مباشرت در تلف به تلف کننده خود تقصیر می باشد و همینکه شخص در اتلاف مباشرت داشته است دلیل بر تقصیر است. بنابراین نیازی به اثبات تقصیر نیست لذا شبهه نسخ منتفی است. ^۲ بعضی از حقوقدانان معتقدند آنچه که قانونگذار در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به صراحت اعلام کرده است با قاعده اتلاف تعارضی ندارد و تنها مفهوم مخالف آن دلالت دارد که مسئولیت بدون تقصیر را نباید پذیرفت. ^۱ در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران به عمومیت قاعده ضمان و مسئولیت نسبت به کلیه حقوق قانونی افراد تصریح شده و چنین مقرر گردیده

است که هر گونه ضرر مادی و معنوی ناشی از لطمه وارده بر جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجارتي یا حقوق معنوی وی باید جبران گردد. فقها برای اثبات حکم ضمان اتلاف به آیات و روایات بسنده کردند و اغلب آنها بر ضمان اتلاف دلالت دارد.^۱

مستندات قاعده اتلاف بدین شرح است:

الف) کتاب: ۱- یکی از آیاتی که قاعده اتلاف استدلال شده آیه « فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ » است، یعنی هر کسی به شما تعدی کرد، شما هم همان گونه به او تعدی کنید. بنابراین تلف کردن اموال و منافع و حقوق دیگران بدون اجازه آنان، یکی از مصادیق تعدی به شمار می رود. فقهای چون شیخ طوسی و ابن ادریس با این آیه، افزون بر اثبات قاعده اتلاف، بر مثلی یا قیمی بودن ضمان نیز استدلال کرده اند. شیخ طوسی می نویسد: «اموال دو گونه اند: حیوان و غیر حیوان. غیر حیوان نیز دو گونه است: اموالی که مثل دارد و اموالی که مثل ندارد... چنانچه غاصب، چیزی از این اموال را غصب کند اگر مال، باقی است ضامن اصل آن است و اگر مال، تباه شده ضامن مثل آن است به دلیل آیه فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ». بر استدلال به این آیه، اشکالاتی وارد است از جمله:

اولاً) مدعا در قاعده اتلاف عبارت است از ضمان شخص تلف کننده و فرقی نمی کند این تلف از روی عمد و اختیار باشد و یا از روی غفلت و بی اختیاری. در حالی که عنوان «اعتداء» (تجاوزگری) که در آیه آمده تنها صورت عمد و اختیار را در بر می گیرد نه صورت غفلت را. بنابراین، دلیل اخص از مدعا است.

ثانیاً) در صورتی آیه دلالت بر ضمان متلف نسبت به شیء تلف شده می کند که «ما» در جمله «ما اعْتَدَى» موصول باشد. ولی اگر مصدری باشد معنای آیه عبارت خواهد بود از جواز تکلیفی تعدی همانند تعدی طرف مقابل. اما ضامن بودن تعدی کننده که حکم وضعی است از آیه استفاده نمی شود و با راه پیدا کردن این احتمال، آیه قابلیت استدلال بر مدعا یعنی ضمان شخص تلف کننده را ندارد، زیرا معنای آن مجمل می شود.

ثالثاً) بر فرض کلمه «ما» در جمله «ما اعتدی علیکم» به معنای موصول باشد نه مصدری، در صورتی دلالت بر ضمان متلف دارد که مراد از آن، اشیاء خارجی (معتدی به) باشد که متعلق تجاوز و اعتداء واقع شده‌اند نه عمل تعدی و تجاوز.

۲- آیه دیگر «وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به»، یعنی اگر سزا می دهید، مانند آنچه با شما کرده اند سزا دهید. این آیه ربطی به ضمان ندارد بلکه بر جواز تکلیفی مقابله به مثل دلالت دارد. در این آیه هم اشکالاتی به غیر ۳ مورد بالا برای این آیه متصور است اینکه معنای عقوبت که اسم معاقبه است عبارت است از مجازات بر کار بد. بنابراین، آیه ربطی به ضمان ندارد و تنها بر جواز تکلیفی مقابله به مثل دلالت دارد.^۱

ب) سنت (مهمترین دلیل حجیت اتلاف روایات است): ۱- روایات شهادت زور: یعنی شخصی که با شهادت دروغ موجب تلف مال دیگری شود. از امام صادق (ع) درباره کسی که شهادت ناحق او سبب اتلاف مال دیگری شده نقل شده است که: «اگر مال باقی باشد به صاحبش برگردانده می شود، در غیر این صورت شاهد به اندازه ای که از مال دیگری تلف کرده ضمان است». ۲- روایات باب اجیر: از امام صادق (ع) درباره شخصی که شغل او لباس شویی است و لباسی نزد او از بین برود می فرماید: «اگر هر اجیری که مزد بگیرد برای درست کردن چیزی ولی آن را ناقص کند، ضمان است». این روایت را شیخ طوسی نیز نقل کرده است و از نظر سند، صحیح است.^۳

۳- روایات ابواب موجبات ضمان: امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از حکم چیزی که در راه مسلمانها قرار داده شده و سبب ترس و فرار چهار پا شده و در نتیجه صاحبش را زمین می زند، می فرماید: «هر چیزی که موجب زیان راه و عابر شود ضمان آور است». این روایت از نظر سند، صحیح است.

۴- روایات باب حدود: از امام باقر در مورد مردی که با چهار پا نزدیکی کرده بود، نقل شده است که فرمودن: «کمتر از حد بر او تازیانه زده می شود و قیمت حیوان را نیز برای صاحبش ضمان است زیرا حیوان را تباه کرده است». این دلیل هم از نظر سند، صحیح است.

۵- روایات باب عتق: امام صادق(ع) در پاسخ پرسش از برده ای که چند نفر در مالکیت آن شریکند و یکی از آنها سهم خود را آزاد می کند، فرمودند: « این کار سبب تباه شدن مالکیت شریکان است. چون توان فروش و یا اجاره دادن آن برده از دست می رود. برده، قیمت گذاری می شود و قیمت آن بر ذمه شریکی که حصه اش را آزاد کرده است از باب مجازات گذاشته می شود. زیرا او ملکیت برده را تباه کرده است.

۶- حدیث لا ضرر ولا ضرار: در مواردی ممکن است برای اثبات حجیت قاعده اتلاف به حدیث لا ضرر استناد کرد. اضرار و اتلاف رابطه عموم و خصوص مطلق دارند. چرا که هر جا اتلاف باشد اضرار هم هست ولی اگر شخصی پولی را از دیگری غصب کند و پس از گذشت ده سال به او رد کند این کار اتلاف مال نیست، اما اضرار است، چون مالیت آن کاهش پیدا کرده و این نوعی ضرر است.^۱

ج) بنای عقلاء: عقلاء شخصی را که موجب تلف شدن مال دیگری شود را ضامن می دانند. لذا چنانچه شخصی مال دیگری را از بین ببرد یا مصرف کند یا معیوب سازد و یا آن را برای مالک به صورت غیر قابل استفاده ای در آورد، اگرچه اصل مال از بین نرفته باشد مانند اینکه مال را در اختیار غاصب قرار دهد و یا پرنده را از قفس آزاد سازد، از نظر عقلاء چنین شخصی ضامن است.

د) اجماع (تسالم فریقین): در این مورد صاحب قواعد فقهیه در مقام بیان ادله قاعده اتلاف می نویسد: « قاعده اتلاف مورد قبول تمامی فقهاست و در آن کسی اختلاف نکرده بلکه ممکن است بگوییم، میان تمامی فرقه های مسلمین قاعده ای مسلم است و چه بسا گفته می شود که این قاعده از ضروریات دین می باشد.^۱

بخش پنجم: روایات مربوط به قاعده اتلاف در این مورد که بر اصل ضمان سبب اتلاف دلالت دارند

۱- بر روایاتی دلالت دارند که اگر شاهد دروغگو سبب شود قاضی حکم نادرست صادر کند، نسبت به دیه، مهر و دیگر اموالی که با این شهادت تلف شود، ضامن است.
الف) صحیحه محمد بن قیس، عن ابی جعفر (علیه السلام) می گوید:



« قضی‌امیرالمومنین (علیه‌السلام) فی رجل شهد علیه رجلا ن بانه سرق، فقطع یده، حتی اذا کان بعد ذلك جالشاهدان برجل آخر، هذا السارق، ولیس الذی قطعت یده، انما شهنها ذلك بهذا، فقضی علیهما ان غرمهما نصف اللدیه... ».

ب) امام باقر(ع) می‌فرماید: «امیرمومنان درباره مردی که دو نفر درباره اش شهادت به دزدی داده بودند حکم کرد تا دستش را قطع کنند. تا اینکه پس از قطع دست، آن دو شاهد مرد دیگری را آوردند و گفتند این مرد دزد است و مردی که دستش قطع شد دزد نبوده و اشتباه شده، آن حضرت حکم کرد این دو شاهد نصف دیه را برای مردی که دستش قطع شده ضامن اند.».

۲- برروایاتی دلالت دارند که اگر شخصی در راه مسلمانهاچاه بکند و یا چیزی که به عابر ضرر برساند بر سر راه او بگذارد و یا ناودان را به طرف راه نصب کند و با این کارها موجب اتلاف جان و یا مال گردد، ضامن است.^۱

امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل می‌کند که فرمود: «هرکس ناودانی را در محل رفت و آمد مسلمانان نصب کند، یا بیت‌الخلا در آن ایجاد نماید، و یا میخ در آن بکوبد و یا حیوانی را در آن ببندد و یا چاهی در آن حفر کند و به کسی اصابت کند و هلاک گردد ضامن است.».

۳- بر روایاتی دلالت دارند که اگر صاحب خانه‌ای شخصی را به خانه اش دعوت کند و سگ او به هنگام ورود بر او زبانی رساند، ضامن است.

امام صادق(ع) از امیرمومنان(ع) نقل می‌کند که آن حضرت در مورد مردی که بدون اجازه صاحبان خانه وارد خانه شد و سگ آنها، او را مجروح کرد، فرمودند: «صاحبان خانه ضامن نیستند. البته اگر با اجازه آنان داخل شده بودند، آنها ضامن می‌بودند.».

۴- برروایاتی دلالت دارند که اگر شخصی عبد و یا طفل خردسالی را سوار بر اسب کند و بر دیگری جنایتی وارد گردد، صاحب آن اسب ضامن است.

امام صادق(ع) درباره مردی که عبدش را بر چهار پایش سوار نموده و مردی را پایمال کرد، فرمود: «مولی ضامن است.».



۵- بر روایاتی دلالت دارند که اگر کسی سبب شود مرکبی که شخصی بر آن سوار است، فرار کند و از آن بیفتد و یا مردی بترسد، ضامن است.

امام صادق (ع) فرمودند: «اگر مردی مرد دیگری را از پشتدیوار بترساند و یا مرکب او را طوری فراری دهد که او به زمین افتد و بمیرد، ضامن دیه اوست و اگر جایی از بدن او بشکند، ضامن شکستگی استخوان است»^۱.

بخش ششم: موجبات ضمان

تعریف عقد ضمان از دیدگاه فقها بدین شرح است که: «عقدی شرعی که نسبت به مال و جان انسان، تعهد ایجاد می‌کند». حقوق دانان در تعریف آن آورده‌اند: «عقد ضمان عبارت است از این که شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است بر عهده بگیرد. متعهد را «ضامن» طرف دیگر را «مضمون له» و شخص ثالث را «مضمون عنه» یا «مدیون اصلی» می‌گویند. تعریف ضمان عقدی و معاوضی که به ضمان «مسئولیت قراردادی» نیز نامیده می‌شود که عبارت است از ضمانی که منشا آن عقد و قرارداد است. دکتر کاتوزیان نیز در این باره می‌نویسد: «مسئولیت قراردادی، در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است به وجود می‌آید. کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند و بدین وسیله باعث اضرار هم پیمانش می‌شود باید از عهده خسارتی که به بار آورده است برآید». اتلاف سببی است که موجب ضمانت می‌شود و اتلاف گاهی به صورت مستقیم و گاهی به صورت غیر مستقیم می‌باشد. بنابراین از موجبات ضمان در فقه اسلامی ۱- مسئولیت ناشی از اتلاف به مباشرت و ۲- مسئولیت ناشی از اتلاف به تسبیب است. ضمان چون از احکام وضعی است قصد یه عدم قصد ، علم یا جهل ، بلوغ یا عدم آن و عقل یا جنون ، تأثیری در اعمال آن نخواهد داشت.^۳ در بحث فراوانی از قانون مدنی به محتوای قاعده اتلاف استناد شده است. از جمله در ماده ۳۰۷ آمده است: «فصل دوم - در ضمان قهری - امور ذیل موجب ضمان قهری است: ۱ - غصب و آنچه که در حکم غصب است. ۲ - اتلاف».



در قانون مدنی نسبت به مبنای ضمان قهری دو نظر وجود دارد: برخی مبنای آن را تحقق عنوان «تقصیر» می‌دانند و برخی دیگر مبنای آن را تحقق عنوان «اضرار» دانسته‌اند. برخی از حقوق‌دانان نظر دوم را پذیرفته‌اند.

دکتر امامی می‌نویسد: «در مسئولیت ناشی از جرم دو نظریه علمی موجود است: ۱- نظریه تقصیر... ۲- نظریه مسئولیت... نظریه مزبور (اول) تقصیر را شرط مسئولیت فاعل نمی‌داند و هر کس را که به دیگری خسارتی وارد آورد او را مسئول جبران آن می‌شناسد. بنابراین نظریه، برای مطالبه خسارت کافی است که متضرر ثابت کند که خسارت ناشی از فعل طرف می‌باشد.» بر اساس نظریه دوم اعتبار و حجیت قاعده فقهی اتلاف در حقوق مدنی خیلی روشن است زیرا در تمامی مواردی که قاعده جریان دارد بی شک خسارت و زیان نیز صادق است.^۱ محقق حلی دو مورد از موجبات ضمانت را بیان کرده است:

۱- اتلاف به صورت مستقیم (مباشر): در این مورد اگر چیزی که تلف شود یا به صورت عین خواهد بود مثل پاره کردن لباس یا منفعت مثل سوار شدن بر حیوانی که صاحب هم دارد. و موجب ضمانت است.

۲- اتلاف به صورت غیر مستقیم (تسبیب): در این مورد تلف به واسطه سببی ایجاد می‌شود. سبب آن چیزی است که نابودی با وجودش ایجاد می‌شود.^۲

شرایط ضمان مالی که تلف شود عبارت است از: ۱- شیء تلف شده مال باشد. ۲- ارزش داشته باشد. بنابراین اتلاف خمر و خنزیر موجب ضمان نیست. ۳- متلف باید قابلیت تعلق ضمان را داشته باشد. بنابراین اگر متلف حیوان باشد ضمان نخواهد بود، مگر در بعضی از موارد. اما اگر متلف خردسال و یا مجنون باشد ضمان هست چون ضمان متوقف بر قصد نیست. ۴- ضمان باید فایده داشته باشد یعنی قابل وصول باشد. بنابراین اگر شخصی از اهل حرب مال مسلمان را تلف کند ضمان وجود ندارد چون فایده ندارد و همچنین به عکس. ۱- اتلاف به مباشرت یعنی ایجاد تلف. مثل کشتن و خوردن و سوزاندن اما اتلاف به تسبیب یعنی ایجاد چیزی که تلف با آن حاصل می‌شود و علت آن چیز دیگری است مشروط بر اینکه از چنین سببی انتظار چنین علتی برود. مثل کندن چاه و باز کردن در ظرف.^۲ در اتلاف بالمباشره وجود عملی مثبت که به طور

مستقیم مال را از بین ببرد از عناصر اصلی ضمان اتلاف است که عمل مثبت در مقابل ترک فعل است.^۳ در اتلاف به مباشرت لازم نیست زیان دیده ثابت کند متلف مباشر، مقصر است و در این فرع، ماده یک قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». ^۴ ملاک و معیار در ضمان به اتلاف، صدق استناد اتلاف است و عنوان مباشر بودن هیچ گونه دخالتی در ضمان ندارد. بنابراین اگر اتلاف مستند به سبب باشد، هر چند سبب بعید باشد، ضمان آن ثابت می‌گردد. ملاک در صدق و عدم صدق استناد، اتلاف عرف است. بنابراین در موارد اختلاف اگر از نظر عرف اتلاف مستند به شخص مباشر باشد، ضمان بر او ثابت است و اگر عرف اتلاف را واسطه و سبب مستند کند، ضمان بر سبب ثابت است. در ضمان به سبب در صورت صدق استناد اتلاف به آن، عمد و قصد شرط نیست همانگونه که در ضمان مباشر اتلاف، قصد اتلاف و یا قصد فعل موجب اتلاف شرط نیست. از روایات استفاده می‌شود که در ضمان سبب موجب اتلاف، علم و آگاهی به موضوع و یا حکم ضمان شرط نیست همانگونه که در ضمان مباشر نیز علم شرط نیست.^۱ از نظر قانون مدنی ایران اگر اتلاف با انجام یک فعل موجب ضمان شود، با ترک فعل مثل بی احتیاطی نیز سبب ضمان می‌گردد. همچنین از نظر قانون مدنی فرق بین اتلاف مال به طور کل یا اتلاف جزئی نیست، ولی به همان نسبت تلف ضامن است. یعنی اگر کل مال را تلف کرده باشد، در برابر کل مال ضامن است و اگر بعض مال را تلف کرده باشد در برابر آن بعض ضامن است، نه بیشتر از آن.^۲ مقنین ایرانی به تبعیت از فقه اسلامی پس از پایان «هر کسی مال غیر را تلف کند» با توضیح قیمی و مثلی و عین و منفعت بودن آنرا تکمیل مینماید و حتی به این اکتفاء نکرده حکم ایجاد عیب و نقص را نیز بیان میکند تا کاملا رفع ابهام به عمل آید ولی در قسمت دیگر یعنی آنجا که ذکر (بدون عمد) مینماید، نمیتواند رساتر از (سهل انگاری و بی احتیاطی) موجود در ماده ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه باشد چه تشخیص عمد از غیر عمد که اولی منوط و مشروط به قصد



میباشد برای قاضی دشوار بلکه باید گفت ممتنع است زیرا قصد امری درونی و معنوی و قرائن نمیتوانند بیان کننده آن باشند ولی تقریباً همه کس بخوبی میتواند سهل انگاری و بی احتیاطی را از غیر آن تمیز دهد.^۱ تلف به خودی خود دارای حکم وضعی خاص مانند ضمان نیست و حصول ضمان در برخی موارد تلف کلی یا جزئی اشیاء، ناشی از وجود یکی از اسباب اصلی آن، مانند ضمان ید (غصب)، اتلاف یا تسبیب است.^۲ حکم اتلاف در اصل حرمت است که گاهی مستلزم ضمان هم هست و گاهی مستلزم ضمان نیست. گاهی اتلاف واجب است مثل: مواردی که شارع امر به ناپود کردن چیزی کرده است، مثل اتلاف خنزیر و گاهی حکم اتلاف اباحه است. ضمان سبب اتلاف در قانون مدنی همچون فقه سبب در اتلاف را موجب ضمان می‌داند.^۳ اما ممکن است بین طرفین رابطه قراردادی وجود داشته باشد ولی چون قسمتی از منفعت اجرای قرارداد مربوط به عین مال متعلق به متعهدله است بتوان متعهد را به واسطه ارتکاب تخلف از باب «اتلاف یا تسبیب» نیز مسئول جبران خسارات ناشی از محرومیت از منافع عین معین شناخت. مثلاً شخصی در برابر مدیر تئاتری متعهد می‌شود که نقشی را در نمایش ایفا کند یا در برابر مالک رستورانی متعهد می‌شود مواد اولیه را برای تهیه غذای مراجعین فراهم نماید ولی از انجام تعهد خودداری می‌نماید، متعهدله چون با اجرای قرارداد، قسمتی از منافع حاصله آن به عین مال (محل و مکان نمایش یا رستوران) اختصاص می‌یافت و به تعبیر دیگر چون محل نمایش یا رستوران دارای منافی است که در اثر عدم اجرای تعهد از بین رفته، می‌تواند این منافع مربوط به مال معین را با نظر کارشناس به عنوان اجرت‌المثل از متعهد مطالبه نماید.^۴ در ماده ۳۲۸ قانون مدنی در ضمان اتلاف فرقی بین عمدی یا غیر عمد بودن اتلاف وجود ندارد. منظور از عمد بودن، عمد در اتلاف است نه عمد در عمل. مثلاً شخصی که به واسطه لغزنده بودن زمین، به زمین می‌افتد و بر اثر برخورد با ظرفی، آن را می‌شکند به دلیل عدم انتساب تلف به شخص، از جهت اتلاف‌فصامن نخواهد بود. عمد در اتلاف نیز از جهت جزایی، مجازات‌هایی را بر فعل متلف ایجاد می‌کند. مثلاً شخصی که خواب است و بر اثر غلتیدن بر روی طفل او را تلف کند، دیه بر مال عاقله او خواهد بود که بدهد با اینکه شخص خواب قصدی نداشته باشد.^۵ اما اکثر کلمات فقها در ظاهر، مبین حالت عمد در اتلاف

است. مواردی همچون ضمان ملوانان، باربران، رنگرزان، صنعتگران، خیاطان و نیز اجاره چارپایان و امثال آن، همگی بر اساس تعدی و تفریط، که مستلزم علم و عمد است، شکل می گیرند. به خصوص با توجه به اینکه «اتلاف» در اموال از موارد خاصی که در آنها حکم به ضمان شده است. مثل رهن، مضاربه، ودیعه، عاریه و اجاره اخذ گردیده و از شروط اساسی ضمان در این موارد، تعدی و تفریط می باشد.^۱ اما در تحت شرایط خاصی به سه قاعده ضمان متلف ساقط شود و وی مسئول جبران شناخته نمی شود. از جمله موارد:

قاعده اول) قاعده احسان که قرآن کریم می فرماید: «ما علی المحسنین من سبیل» سوره توبه، آیه ۹۱ «هل جزاء الاحسان الا الاحسان» سوره الرحمن، آیه ۶۱. معنای قاعده احسان این است که انسان در مقام انجام کار خیر مؤاخذه نمی شود و اگر در اثر فعل صحیح و خیر خواهانه او بر کسی ضرری وارد شد، جبران آن بر او تحمیل نمی گردد.

اما سخن در این است که مجرد قصد احسان، مسقط ضمان نیست یعنی باید فعل انسان محسن که در صدد دفع ضرر یا جلب منفعتی است واقعا^۲ چنین باشد اما اگر دست به اقدامی ناشیانه زد و در جایی که نباید سقف اتاق خراب شود آن را خراب کرد، مسئول جبران تخریب شناخته می شود.

قاعده دوم) قاعده استیمان «لیس علی الامین الا الیمین، لیس علی المؤمن ضمان».

طبق این قاعده، امین تازمانی که مرتکب تقصیر (تعدی و تفریط) نشده باشد، ضامن نیست.^۲

قاعده سوم) قاعده اقدام که معنای قاعده این است که اگر شخصی به زیان خویش اقدام نماید، حق ندارد از جهت خسارتی که دیده است تقاضای جبران ضرر کند. مثلا اگر مدیر مسئولی، مال دولت را به کمتر از قیمت واقعی بفروشد و یا مالی را با بودجه بیت المال به ثمنی بیشتر از بهای واقعی بخرد البته، در برابر دیوان محاسبات کشور مسئول است زیرا مال خود او نبوده است. و نیز اگر مالکی از مال خود اعراض نماید، احترام مالکیت خود را ساقط کرده و تملک آن را مباح ساخته است.^۱



بخش هفتم: مباشر و سبب در قاعده اتلاف

قاعده اتلاف به لحاظ فاعل، به مباشر و سبب تقسیم می‌شود.^۱ عبدالفتاح علی المراغی در کتاب خد به نام عناوین می‌گوید: اتلاف گاهی به مباشرت و گاهی به تسبیب صورت می‌گیرد و مقصود از اتلاف ایجاد علت تلف مثل قتل و سوزاندن است و مقصود از تسبیب ایجاد چیزی که تلف به وسیله آن به وجود می‌آید مثل باز کردن در ظرف و اکراه بر اتلاف.^۲ حضرت امام (ره) درباره مباشر فرمودند: «المراد بالمباشره اعم من ان یصدر الفعل منه بلا آله کخنقهیبه او ضربه بها او برجله فقتل به او بآله کرمیه بسهم... او کان القتل منسوباً الیه بلا تاول عرفاً کالقائه فی النار... الی غیر ذلک من الوسائط الّتی معها تصدق نسبة القتل الیه. یعنی مقصود از عنوان مباشر اعم از این است که فعل بدون استفاده از وسیله و ابزار از فاعل صادر شود و یا قتل با استفاده از وسیله‌ای صورت بگیرد. مثل: تیراندازی.» پس منظور از مباشر می‌تواند این باشد که فعل بدون استفاده از وسیله و ابزار از فاعل صادر شود. مثل: خفه کردن با دست، یعنی ملاک و معیار در عنوان مباشر، صدق عرفی نسبت کار به فاعل مباشر است، اعم از اینکه با وسیله باشد و یا نباشد.^۳

- ۱- در تحقق اتلاف به مباشرت میان فعل مباشر و تلف عاملی دیگری واسطه نمی‌شود.^۴
 - ۲- در مباشر فعل همیشه مثبت است و با فعل منفی عنوان مباشر صدق نمی‌کند.
 - ۳- در تحقق اتلاف به مباشرت عنصر تقصیر (رعایت نکردن احتیاطات لازم) شرط نیست. محقق حلی در این باره می‌گوید: «الثانی التسیب و هو کل فعل یحصل التلف بسببه کحفر البئر فی غیر الملک، تسبیب یعنی، هر فعلی که تلف به سبب آن حاصل گردد».
- پس منظور از سبب هر فعلی است که تلف به سبب آن حاصل گردد، مثل: کندن چاه در ملک دیگری.^۱

- ۱- در مورد اتلاف به تسبیب میان فعل مباشر و تلف عاملی دیگر واسطه می‌شود.^۲
- ۲- عنوان سبب گاهی با فعل مثبت تحقق پیدا می‌کند و گاهی با فعل منفی.
- ۳- در تحقق عنوان سبب تقصیر شرط است.^۳



اتلاف به مباشرت مثل خوردن غذا و اتلاف به تسبیب مثل کندن چاه. مباشر اقوی از سبب است مگر در مواردی که سبب اقوی از مباشر باشد که در این مورد است که سبب مسئول است.^۴

اگر مال به مباشرت تلف شود اتلاف است و اگر با سبب شدن تحقق یابد تسبیب است. پس یک قاعده بیشتر نیست ولی با دو نوع مظهر.^۵

اگر سبب و مباشر جمع شوند، ضمان مباشر بر فاعل سبب مقدم است. برخی دیگر از فقها بر این باورند که هر دو ضامن اند اما در مقابل، برخی معتقدند هر آنچه که از نظر زمان مقدم است، ضمان آور است. هرگاه یک نفر تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود، مباشر مسئول است، نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.^۱

بخش هشتم: چگونگی پرداخت ضمان قاعده اتلاف

مقتضای ادله ضمان به قاعده اتلاف، این است که اگر ممکن باشد مثل همان مالی که تلف شود به صاحب آن داده شود، اگر رد مثل ممکن نباشد، یا از آن جهت که مثل آن وجود ندارد و یا اینکه مثلی نیست بلکه قیمتی است، در این صورت باید قیمت آن داده شود. بنابراین باید بدانیم قیمت چه زمان و چه مکانی را باید داد؟ لذا فقها مطالبی را بیان داشتند از جمله:

الف) اختلاف قیمت گاهی به جهت حالات است و زمان و مکان در اختلاف قیمت دخالتی ندارد. مثلاً: گوسفند به هنگام سرقت لاغر و به هنگام تلف شدن چاق بوده است و یا به عکس، به هنگام سرقت چاق بود و به هنگام تلف شدن چاقی تبدیل به لاغری شد، در این صورت به نظر می‌رسد که مقتضای ادله قاعده اتلاف، پرداخت اعلی‌القیم است زیرا در غیر این صورت مال صاحب مال پرداخت نشده است.

ب) گاهی اختلاف قیمت، ناشی از اختلاف آن به حسب زمان است، در این صورت چند احتمال وجود دارد:

۱- ملاک، قیمت زمان غصب است.

۲- ملاک، قیمت زمان تلف است.



- ۳-ملاک، بالاترین قیمت از زمان غضب تا زمان تلف است.
- ۴-ملاک، بالاترین قیمت از زمان غضب تا زمان پرداخت است.
- ۵-ملاک، قیمت زمان مطالعه است.^۱
- ۶-ملاک، کمترین قیمت از زمان غضب تا زمان تلف است.
- ۷-ملاک، کمترین قیمت از زمان غضب تا زمان پرداخت است.
- ۸-ملاک، کمترین قیمت از زمان تلف تا زمان پرداخت است.
- ۹-ضامن مخیر است میان قیمت زمان غضب و زمان تلف و یا قیمت روز غضب و زمان پرداخت و یا قیمت زمان تلف و پرداخت و یا تخیر میان زمان غضب و زمان تلف و زمان پرداخت....

در مورد اتلاف پرداخت بالاترین قیمت از زمان تصرف تا زمان تلف، بر عهده ضامن می باشد.^۱

نتیجه گیری

با توجه به اینکه قانون مدنی ایران قاعده اتلاف را از فقه اسلامی اتخاذ نموده است و فقها آنها اسباب ضمان شناخته اند بنابراین اتلاف یعنی کسی مباشرتاً خسارتی را به دیگری وارد آورد و فرق و تمایز آن با تسبیب این است که، تقصیری نمی خواهد و با فورس ماژور هم رفع می شود و قاعده اتلاف نام دارد. بنابراین اتلاف یا حقیقی است و یا معنوی. اتلاف حقیقی نیز دو نوع است. زیرا یا اتلاف عین است و یا اتلاف منفعت و اتلاف معنوی مثل: ندادن مال عاریه به مالک. از نظر قانون مدنی ایران اگر اتلاف با انجام یک فعل موجب ضمان شود، با ترک فعل مثل بی احتیاطی نیز سبب ضمان می گردد. همچنین در ماده ۳۲۸ قانون مدنی در ضمان اتلاف فرقی بین عمدی یا غیر عمد بودن اتلاف وجود ندارد. و طبق حدیث « من اتلف مال الغیر فهو له ضامن »، هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است.»

منابع و مآخذ:

الف) کتب:

۱- دکتر ره پیک ، حسن ، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها ، انتشارات خرسندی ، چاپ یازدهم ، ۱۳۸۹.

۲- دکتر شهیدی ، مهدی ، حقوق مدنی ۶ ، انتشارات مجد ، چاپ سیزدهم ، ۱۳۹۰.

۳- یزدانیان ، علیرضا ، حقوق مدنی (قلمرو مسئولیت مدنی) ، انتشارات ادبستان ، چاپ اول ، ۱۳۷۹.

۴- دکتر قاسم زاده ، سید مرتضی ، مبانی مسئولیت مدنی ، انتشارات دادگستر ، چاپ اول ، ۱۳۷۸.

ب) مجلات:

۱- حسین اکبری ، بررسی قاعده اتلاف.

۲- سید لطف اله اتابکی ، بحثی در اتلاف.

۳- محسن مقدم ، عدم النفع در حقوق ایران و فقه.

۴- محمد غزنوی ، قاعده اتلاف در فقه و حقوق.

۵- عبدالعلی محمدی ، مسئولیت مدنی دولتبر مبنای قاعده اتلاف.

